

گفتگویی دوستانه میان بصری سیاه‌پوست و بصری از  
مکزیکیان مهاجر به آمریکا، در مقابل دیواری در  
کالیفرنیا، مزین به نقوش ملهم از مایه‌های هنری متعلق  
به دوره قبل از کشف قاره آمریکا.



# یونسکو و مهاجرت بین‌المللی

نوشته رونالد جی. باریس

فعالیت‌های اخیر یونسکو بیشتر به آموزش و کارآموزی مهاجران و آثار مهاجرت بر ساختارهای اجتماعی بعضی کشورها، به ویژه در مورد روابط قومی - نژادی، پرداخته است. در مورد الگوها و پی‌آمدهای مهاجرت روستائیان به شهرها در افریقا، آسیا و امریکای لاتین و نحوه انطباق کارگران مهاجر با زندگی شهری نیز بررسی‌هایی انجام شده است.

تجربه کارگر مهاجر در زندگی روزمره معمولاً عبارت است از بیگانگی، انزوا، دوسوایی و واخوردگی فرهنگی که در نتیجه او را به عوالمی اجتماعی سوق می‌دهد که علی‌المعمول از هم گسیخته و متعارض‌اند. کارگر مهاجر در «عرصه‌ای قرار گرفته که به هیچکس تعلق ندارد، نه به موطنش می‌ماند و نه به کشوری که در آن کار می‌کند» و این امر غالباً به درهم ریختن همان گروه فامیلی و جامعه مهاجری می‌انجامد که صیانت او بدان متکی است. اوقات او به طور کلی پیرامون دو قطب می‌گذرد: خانواده و هموطنان او، در محیطی فرهنگی شبیه یا دست کم مبتنی بر عواملی از فرهنگ کشوری که از آن آمده است؛ دیگری شغل و زندگی عمومی او در فرهنگی که برایش ناشناخته است.

این تباین و دوگانگی فرهنگی به تدریج در دو وسیلهٔ زبانی مستقل متجلی می‌شوند: زبان مادری که عمدتاً در

باید آن را به منزلهٔ فرآند اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با ابعاد بسیار پیچیده تلقی کرد. یکی از اهداف عملی عمده، تشویق حکومتها به گزینش و اجرای سیاستهای مناسب در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به نحوی است که به تعریفی از منشوری واقعی برای مهاجران منجر شود. چنین منشوری را می‌توان بر اصل تساوی رفتار نسبت به مهاجران و اهالی محل قرارداد و ضمناً به این واقعیت توجه کرد که در مواردی که نیازهای خاصی (از قبیل زبان و تعلیمات حرفه‌ای) وجود دارد تمایزاتی باید قائل شد. اهمیت شکل‌یابی و حفظ هویت فرهنگی افراد و گروهها را که جزئی از حقوق آنان است نیز نباید فراموش کرد.

کارگران مهاجر سیاهپوست و ارزان‌شالوده نظام اقتصادی آبارتاید جدایی نژادی در افریقای جنوبی‌اند. میلیون‌ها نفر افریقایی از اقامت دائم با خانواده‌هایشان، که مجبور به اقامت در نواحی روستایی یا «بانتوستان‌ها» هستند، محرومند. بسیاری از کودکان افریقایی فقط سالی یک‌بار پدرانشان را می‌بینند و زیر نظر زنان خانواده بزرگ می‌شوند. عکس‌زیر خانواده‌ای را در «حکومت مستقل» ترانسکای در جمهوری افریقای جنوبی نشان می‌دهد.

مهاجرت بین‌المللی، اعم از دائمی، موقت یا فصلی، قانونی یا غیرقانونی، سازمان‌یافته یا ارتجالی، فی‌نفسه متضمن سطوح مختلفی از برخورد میان نظامهای اجتماعی و سنتهای فرهنگی متفاوت است و بر مبنای ساختاری و تاریخی گوناگون (مذهبی، سیاسی، اقتصادی، در اثر جنگ و فاجعه‌های طبیعی) به وقوع پیوسته است.

مدت مدیدی است که توجه یونسکو به این پدیده‌ها معطوف بوده و از ۱۹۴۹ در زمینه مسئله ادغام فرهنگی و آموزش و کارآموزی کارگران مهاجر و خانواده‌هایشان گرفته تا مسائل مربوط به بازگشت و انطباق مجدد با شرایط موطن ایشان مطالعاتی انجام شده است.

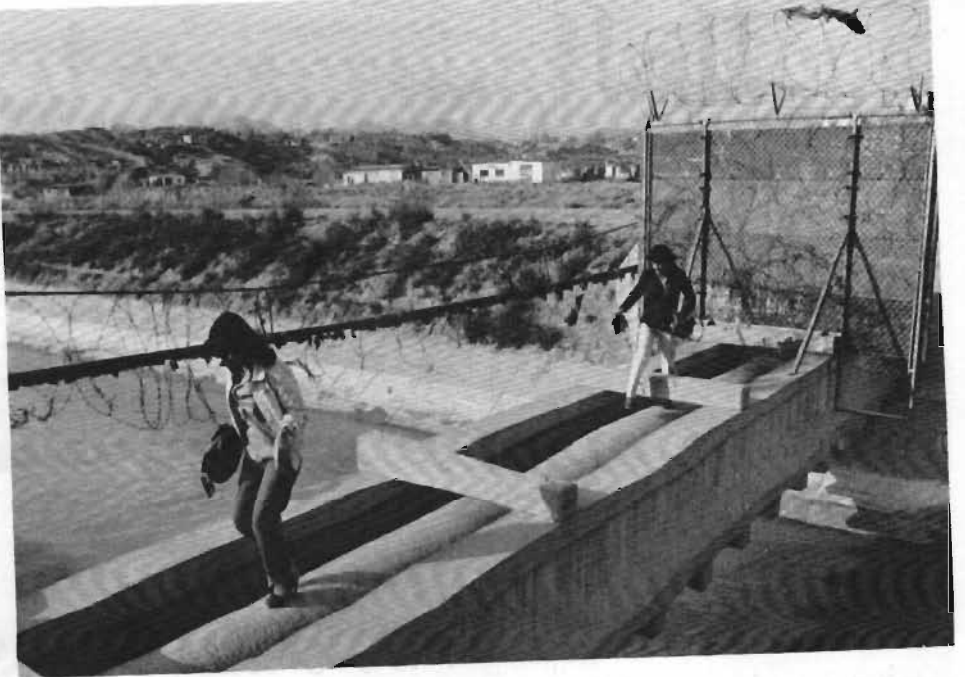
قطعه‌نامه شماره ۱/۱۴۲ که توسط هفدهمین اجلاس کنفرانس عمومی در ۱۹۷۲ به تصویب رسید، یونسکو را موظف کرد که برنامه ویژه‌ای برای کارگران مهاجر و فرزندان‌شان به مورد اجرا گذارد. فعالیتهایی که جهت اجرای این قطعه‌نامه انجام شده شامل موارد زیر است: بررسی‌هایی در زمینه ابعاد گوناگون مهاجرت، انتشار گسترده نتایج آنها و انعقاد جلساتی متشکل از کارشناسان جهت ارزیابی نتایج حاصله و تهیه توصیه‌هایی خطاب به کشورهای عضو.

بخش عمدهٔ این اقدامات ناظر بر این مطلب بوده است که مهاجرت را نباید صرفاً مسئله‌ای کارگری پنداشت بلکه





دو زن جوان مکزیک، از رودریو گراند دل نورته (ایریو براوو) غیر قانونی عبور می‌کنند. این رود مرز ایالات متحده را بین سیوداد هوارس در مکزیک و ال پاسو در تگزاس تشکیل می‌دهد.



آن مدنظر داشت زیرا فرهنگ، آموزش و کارآموزی او کلاً با عوامل اقتصادی و سیاسی مؤثر در کار و اشتغال وی رابطه متقابل دارند. در ضمن، برآیند این مطالب را باید در زمینه نظامهای قومی - نژادی و طبقاتی کشورهای پذیرنده مورد توجه قرار داد. آثار حضور وی بر این نظامها، و سیاستها و اقداماتی که اعمال آنها، عمداً یا سهواً، او را تحت تسلط اقتصادی و برزخ فرهنگی نگه می‌دارند باید در نظر داشت.

در مورد جنبه اقتصادی این مسئله می‌توان گفت که مهاجرت، چه ارتجالی و چه سازمان یافته، در عین این که یکی از عوامل ساختاری اقتصاد جهانی است، در اصلاح ناتوانیهای بنیادی ساختارهای اجتماعی - اقتصادی کشور پذیرنده یا فرستنده اثری ندارد.

از جمله مشخصات رایج جوامعی که مهاجران به آنها می‌پیوندند تبعیض رسمی و تعصب نژادی و قومی است. در شرایط ورود و سیاستهای رسمی مربوط به مهاجرت، در رفتار روزمره در سرکار یا کلاس درس و در نگرش اهالی بومی و در تماسهای روزانه کارگران مهاجر با اهل محل، غالباً تعصب نژادی و قومی آشکار است. در برخی از موارد، فشارهای نژادی به اعمال خشونت آمیز منجر می‌شود. کارگر مهاجر که نخست از جنبه اقتصادی بدان نگرسته می‌شد به زودی به موضوعی قومی - نژادی تبدیل می‌شود.

رهبرانی که در کشورهای پذیرنده با مهاجرت موافقت می‌کنند ولی مشروط به این که به افراد کشورهای خاصی محدود شود، یا آنها که اعطای حقوق و امتیازات مدنی را تأیید می‌کنند ولی فقط به آن دسته از مهاجران که «سنتهای فرهنگی» شان شباهت بیشتر یا امکان انطباق بهتر با سنتهای محلی داشته باشند و در نتیجه همخوان سازی مهاجران را تسهیل کند، مانند مخالفان صریح الهجه‌تر مهاجرت رنگین پوستان از نژاد پرستی جانبداری می‌کنند. در شرایط بیکاری و بحران اقتصادی فعلی، بسیاری از کشورهای پذیرنده حضور مهاجران و کارگران مهاجر را به مثابه تهدیدی نسبت به معیشت و بقاء اهالی بومی یا

شرایط فرهنگی - اجتماعی کارگران مهاجر و خانواده‌هایشان و همچنین خود مهاجرتها محصول عوامل اقتصادی، سیاسی و جمعیتی در سطح بین‌المللی است. این عوامل عضویتی عبارت‌اند از: تقاضای کشورهای صنعتی برای نیروی انسانی ارزان و نیاز کشورهای دیگر به فروش نیروی کار ملی زاید بر نیاز. پدیده دیگری که در این جریان مؤثر است همان اختلالهایی است که در ساختارهای جمعیتی کشورهای صنعتی بروز می‌کند. شرایط استخدام و اشتغال کارگران مهاجر (مثلاً توافقات دو جانبه سازمان یافته، حرکتی ارتجالی و فاقد مدرک) را نیز نباید از نظر دور داشت چرا که این عوامل در تجارب اجتماعی - فرهنگی کارگران مهاجر و خانواده‌هایشان، از جمله دسترسی به مؤسسات و خدمات کشورهای پذیرنده، تأثیر به‌سزایی دارند. بدین دلایل، رهیافت نسبت به مسئله مهاجرت باید همه جانبه باشد. وضع کارگر مهاجر را باید در تمام ابعاد

روابط خصوصی با خانواده و دوستان به کار می‌رود («زبان حال») و زبان اداری ویژه کشوری که در آن اشتغال به کار دارد، زبانی فاقد هرگونه بار معنایی عاطفی، «زبان قدرت و تسلط» بر مبنای این دوگانگی زبانی و در ارتباط با آن، زندگی روزمره او نیز به دو دنیای غیر مرتبط تقسیم می‌شود: دنیای کار و دنیای تبعید فرهنگی. انزوا و بیگانگی که به طور کلی سرنوشت محتوم مهاجران است در مورد زنان چشمگیرتر است. تفاوت جنسی، به جای این که احساس بیگانگی زندگی مهاجر را به لحاظ مهاجر بودن تحت الشعاع قرار دهد، برعکس! مسائل انطباق فرهنگی زنان مهاجر را مضاعف می‌کند. کردار تولدی به انضمام وظایف تولیدی زنان مهاجر هسته مرکزی تجارب ایشان را در کشوری که به آن مهاجرت کرده‌اند تشکیل می‌دهد و چارچوبی است برای ارزیابی آثار مهاجرت بر هویت، موقعیت، و رفتار فرهنگی ایشان چه در درون خانواده و چه در محل کار.



انجمن آفریقایی زنان منطقه ۹۳ در بوئین بی، واقع در حومه شمال شرقی پاریس، با کمک یونسکو، برای تشویق همسران و دختران مهاجران به شرکت در فعالیتهای اجتماعی جامعه میزبان برنامه‌هایی آموزشی ترتیب می‌دهد. خیاطی، بافندگی، قلابدوزی، نقاشی روی پارچه و رنگرزی از جمله این فعالیتهای است. عکس سمت چپ، اتاق خیاطی است. یونسکو برنامه‌های مشابهی به چهار انجمن کارگران مهاجر پیشنهاد کرده است: دو مورد در فرانسه، یکی در سوئیس و دیگری در بلژیک.



حتی توجیهی برای نابسامانیهای اقتصادی تلقی می‌کنند. براین اساس معمولاً خواستار مهارهای اجتماعی وسیعتری، از جمله اخراج و بازگرداندن آنان به اوطان خویش، می‌شوند.

نمونه‌هایی از این امر همه جا فراوان است. برطبق سیاستی که اخیراً پس از کاهش بهای نفت، در نیجریه اتخاذ شده مهاجران و به ویژه کارگران فاقد مدرک اجباراً باید از آن کشور اخراج شوند. در فرانسه بکر از احزاب سیاسی با پیوند دادن میان مهاجرت و بیکاری به استحکام موقعیت خویش پرداخته است. این امر باعث پدید آمدن نهضت فعال ضد نژاد پرستانه‌ای تحت عنوان برادرانه Touche pas à mon pote (به رفیق دست نزن)، شده است. که در جلب توجه آراء عامه و تبیین و توجیه نظر گروه‌های مختلفی که با نژاد پرستی و شکستن تمام کاسه کوزه‌ها به گردن مهاجران مخالفتند، موفق بوده است. در

انگلستان، عکس‌العمل مهاجران جزایر کارائیب و آسیا نسبت به شدت عمل و تبعیض نژادی سازماندهی بیشتر افراد و شرکت گسترده‌تر در امور محلی و نیز فعالیتهای اتحادیه‌های کارگری بوده است.

سرانجام، این سؤال پیش می‌آید که موضع قانونی مهاجران و کارگران مهاجر در ممالکی که به کار اشتغال دارند چیست؟ یونسکو نسبت به این مسأله نیز علاقمند بوده است. تجربه نشان داده که موضع قانونی آنها، نظر موضع اقتصادی - اجتماعیشان، به طور کلی متزلزل و غالباً منوط به تشخیص و میل مقامات اداری است. علاوه بر این در دوره‌های رکود اقتصادی موضع قانونی ایشان نیز می‌تواند مورد تجدیدنظر قرار گیرد. وضع مهاجران از جزایر کارائیب و آسیا در انگلستان نمونه‌ای از این نوع رفتار است. در این کشور تعدادی قوانین مهاجرت، که نخستین آنها قانون مهاجرت از

کشورهای مشترک المنافع مصوب سال ۱۹۶۲ است، شرایط ورود و نیز حق ورود عابلاً تحت تکفل، من جمله همسران، را بسیار محدود کرده است. این مطلب در مورد برخی از کشورهای وارد کننده نیروی کار در آسیای غربی نیز که دست به اقداماتی مشابه زده‌اند صادق است. اعطای حقوق مدنی به مهاجران تحت کنترل دقیق است. مثلاً حق شرکت در انتخابات در چندین کشور پذیرفته به صورت موضوعی، جنجال برانگیز باقی است. ■

**رونالد جی. پاریس** متخصص عمران و توسعه در بخش علوم اجتماعی و انسانی یونسکو است. وی قبلاً استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه نیویورک و دانشگاه و اندریلت و رئیس دانشکده هنرها و علوم دانشگاه ویرجینیایون در ایالات متحده بوده است. پاریس مؤلف چندین نشریه در زمینه مسائل مهاجرت است.

## مهاجرت در داخل افریقا

را به ساحل عاج و نیجریه داد و در ۱۹۶۹ دولت تمام خارجیانی را که فاقد اجازه اقامت بودند اخراج کرد. در ۱۹۸۳ نیجریه هم سیاستی مشابه در پیش گرفت. جریان مهاجرت دیگری که بسیار کوچکتر است به سوی افریقای جنوبی است. معادن افریقای جنوبی حدود یک قرن است که از ممالک همسایه کارگرانی را بر اساس قراردادهای کوتاه مدت استخدام می‌کنند. جریان مهاجران بین‌المللی سالانه بالغ بر ۲۵۰/۰۰۰ نفر می‌شود و در سالهای اخیر این تعداد نسبتاً ثابت مانده است. ولی مبدأ مهاجران تغییر کرده است. تعداد کسانی که از ملاوی و موزامبیک می‌آیند کمتر شده و بیشتر از بوتسوانا، لسوتو و سوازیلند می‌آیند. ■

اغلب مهاجران از اهالی نواحی روستایی و کشورهای کم درآمدی که به دریا راه ندارند نظیر بوركینا فاسو (ولتای علیای سابق) و مالی هستند. در ۱۹۷۵ حدود ۱۷ درصد از جمعیت بوركینا فاسو در خارج از کشور می‌زیستند. طی سه دهه اخیر، مقصد مهاجران بر اساس ثروت نسبی نواحی ساحلی و سیاستهای مهاجرتی ایشان در حال تغییر بوده است. غنا که در اواخر دهه ۱۹۵۰ - ۶۰ و اوایل ۱۹۶۰ - ۷۰ مطلوبترین مقصد سه شمار می‌رفت پس از رکودی که در اقتصادش رخ داد جای خود

دوالگوی مهاجرت کارگری بین‌المللی در قسمت جنوبی صحرای افریقا وجود دارد. اولین و مهمترین آن در افریقای غربی است. در ۱۹۷۵ در نه کشور ۲/۸ میلیون تن خارج از کشور محل تولد خویش می‌زیستند. مهاجرت به نقاط دور در افریقای غربی تاریخی طولانی دارد که با حرکت تمام افراد دهکده یا قبیله که از بیم جنگ یا قحطی به راه می‌افتادند آغاز می‌شود. بعداً استعمارگران کارگران را اغلب به زور به غنا و ساحل عاج می‌آوردند. امروزه نابرابری در امکانات اشتغال در منطقه، خشکسالی، و سیاست مرزهای باز در بسیاری از کشورها مهاجرت داوطلبانه را تداوم می‌بخشند. از این گذشته، با سطح زاد و ولدی بالای ۴۵ در ۱۰۰۰ در تمام افریقای غربی شمار مهاجرات احتمالاً افزایش خواهد یافت. مهاجرت با قصد سازگشت و مسافرت میان کشورها نیز رواج دارد

روستائیان مالی که در طلب کار و زندگی بهتر عازم شهراند در کامیونی سوار شده‌اند که بار آن گدوی کسکولی است.

منبع: گزارشهای مربوط به جمعیت، مسائل خاص، شماره ۷، سپتامبر - اکتبر ۱۹۸۳، دانشگاه جانز هاپکینز، بالتیمور، امریکا.

